

از مجله « تاریخ برای همه »
چاپ پاریس

بقلم لوئی سورل (۱)
ترجمه - دکتر هادی خراسانی

محاكمه تاريخی سروان دريفوس

از سال ۱۸۹۴ تا ۱۹۰۶ محاكمه سروان دريفوس نه تنها افكار عمومی مردم فرانسه را تحت تأثير قرارداد ، بلکه فرانسويان را بدو جبهه مخالف يکی جبهه طرفداران و دیگری جبهه مخالفين دريفوس تقسيم نمود و موجب سقوط دوکابينه یعنی «کابينه بريسون» (۲) در اکتبر ۱۸۹۸ و کابينه «دوبوی (۳) در ژون ۱۸۹۹» گرديد و حتی نزدیک بود اساس حکومت جمهوری فرانسه

(۱) - لوئی سورل (Louis SAUREL) نویسنده این مقاله برای تهیه آن از کتب متعددی که بوسیله نویسندگان مختلف منجمله ژاک گیزر **Jaques Kayser** - موريس پائولوگ - **Mourice Paléologue** - موريس بومون **Maurice Baumont** - پاتريس بوسل **Patrice Bussel** - پيرميکل **Pierre Miquel** - مارسل توماس **Marcel Thomas** ، درباره محاكمه دريفوس تأليف گردیده اند و نیز مقالاتی که بوسیله نویسندگانی از قبیل موريس بارس - **Maurice Barrés** ژان ژورس **Jean Jaurés** - امیل زولا ، در این موضوع نوشته شده استفاده کرده است.

بعلاوه اظهارات و بیانات متهمین و گواهان در محضر دادگاهها نیز که به ماجرای دريفوس رسیدگی کرده اند ، مورد استفاده نویسنده این مقاله قرار گرفته است .

(۲) - **Brisson**

(۳) - **Dubuy**

را متزلزل سازد.

ماجرای دریفوس فی حد ذاته حائز اهمیت نیست و اگر عوامل سیاسی و ملاحظات نژادی در آن دخالت داده نمیشد، يك اشتباه قضائی ساده محسوب میگردید.

ولی عوامل متعددی منجمله تحریکات سیاسی - توسل جستن بجهل سند و گمراه نمودن افکار عمومی و مشوب ساختن ذهن قضات بمنظور اثبات خیانت دریفوس - مبارزه مداوم روزنامه پرتیراژ «گفتار آزاد» که بوسیله « ادوار درومون » **Edouard Drumont** اداره میشد و ازجرائد ضد یهودیان و هدفش تحریک احساسات نژادی بود، افکار عمومی مردم فرانسه را مسموم نموده و مانع از آن گردیدند که فرانسویان حقایق را تشخیص دهند.

بعلاوه پس از نخستین محکومیت دریفوس، گروهی از نظامیان که اکثریت آنها را افسران ستاد ارتش تشکیل میداد، بمنظور حفظ منافع صنفی خود و به بهانه دفاع از شرافت ارتش، حداکثر کوشش را برای جلوگیری از تجدید محاکمه دریفوس بکار میبردند.

راجع به محاکمه دریفوس کتب و رسالات زیادی نه تنها بزبان فرانسه بلکه بزبانهای انگلیسی و آلمانی نوشته شده است.

انتشار این کتب و اسنادیکه بعداً جمع آوری گردید، بتدریج حقیقت امر را آشکار ساخت بطوریکه امروز دیگر کمتر مورخی یافت میشود که سروان دریفوس را گناهکار بدانند. بی تقصیری او تقریباً برای عموم مسلم گردیده است.

حال این سؤال پیش میآید که اگر دریفوس بناحق محکوم گردیده، گناهکار حقیقی چه کسی بوده است.

برای روشن شدن این موضوع باید بررسی شود که اصولاً این اشتباه قضائی در آغاز از کجا ناشی گردیده است.

« استرهازی » (۱) و سوابق او

مهمترین سندیکه ملاک محکومیت دریفوس قرار گرفت، نامه ای بود که بعدها به « فهرست » معروف گردید.

امروز مسلم گردیده است که نویسنده اصلی این فهرست دریفوس نبوده است بلکه فهرست مذکور بخط «استرهای» که در آن موقع در هنگ توپخانه خدمت میکرده، نوشته شده است و خود او بعدها باین موضوع اعتراف نمود. حال باید دید که استرهای که بوده است.

در سال ۱۷۶۷ «آن ماری استرهای» که از اعقاب خانواده مشهور مجارستانی بنام استرهای بود، پسری بدنیا آورد که نام او را «والسین استرهای» نهاد.

بعدها این پسر در فرانسه مستقر گردید و بایک دختر فرانسوی ازدواج کرد و دارای دو پسر گردید که هر دو آنها در دوران امپراطوری ناپلئون سوم بدرجه سرلشکری رسیدند.

برادر جوانتر در سال ۱۸۴۷ دارای پسری گردید و اسم او را «شارل ماری فردیناند» نهاد.

همین پسر که بعدها بدرجه سرگردی رسید، استرهای نویسنده فهرست منتسب به دریفوس میباشد.

نکات فوق که راجع بسوابق خانوادگی استرهای ذکر شد، نشان میدهد که تاچه اندازه ادعای بعضی از مورخین مبنی بر اینکه این افسروا بسته به یکی از خانواده‌های اشرافی مجارستان بوده و هیچگونه پیوند عمیقی با کشور فرانسه نداشته، بی‌اساس است.

بطوریکه «مارسل توماس» مینویسد فقط $\frac{1}{۱۶}$ خون مجارستانی در عروق استرهای جریان داشته است.

وی زبان آلمانی را در دبیرستان آموخته و بعداً تاحدودی زبانهای ایتالیایی و انگلیسی را فرا گرفته بوده است ولی بهیچوجه بزبان مجارستانی آشنائی نداشته و حتی يك کلمه از این زبان را نمیدانسته است.

فعالیت‌های نظامی و سیاسی استرهایزی

استرهایزی که در امتحانات دانشکده نظامی سن سیر، مردود گردیده بود، در ماه ژون سال ۱۸۷۰ طبق وساطت یکی از اعمام خود با سمت ستوان دومی وارد خدمت لژیون خارجی گردید و در جنگ ۱۸۷۰ بین فرانسه و آلمان، در واحد زراو (ارتش مستعمراتی) مشغول خدمت شد و در همان سال بدرجه سروانی ارتقاء یافت.

پس از برقراری صلح، کمیسیون مأمور تجدید نظر نسبت بدرجات نظامی، وی را بستوان دومی تنزل درجه داد.

در فوریه ۱۸۷۷ ستوان استرهایزی به پاریس آمد و در اداره اطلاعات ارتش بعنوان مترجم آلمانی مشغول خدمت گردید و در آنجا با سروان «ژوزف هانری» که بعدها یعنی در سال ۱۸۹۷ بریاست اداره مذکور منصوب گردید، آشنائی پیدا کرد و هم چنین با «موریس ویل» یکی از افسران یهودی روابط دوستی برقرار نمود.

در سال ۱۸۸۰ استرهایزی بدرجه سروانی ارتقاء یافت و خدمت اداره اطلاعات را ترك گفت.

وی در خلال این مدت در نتیجه دلخارجی، مبالغ هنگفتی مقروض گردیده بود و طی سالهای بعد و جو معتنابهی از معشوقه خود مادام «دوبولانسی»^۱ بچنگ آورد.

برای اینکه خوانندگان بروحیه این افسر عجیب و ماجراجویی بیرند، قسمتی از نامه ایراکه وی در ماه فوریه ۱۸۸۴ از مارس به مادام «دوبولانسی» نوشته بود، بشرح زیر نقل مینمائیم:

«در این لحظه باندازه‌ای دچار ناامیدی، خشم و ناکامی گردیده‌ام و در چنان وضع وحشتناکی قرار گرفته‌ام که هر گاه فرصتی پیدا کنم دست به کارهای خطیری خواهم زد و حتی برای گرفتن انتقام حاضرم مرتکب جنایت شوم. منکه در حال عادی مایل نیستم حتی به سگی آزار برسانم، اکنون با کمال میل حاضرم موجبات قتل صد هزار نفر فرانسوی را فراهم سازم.

تسخیر و غارت پاریس توسط صدهزار سرباز مست منظره رقت باری بوجود خواهد آورد که من آرزوی مشاهده آنرا دارم این نامه و نظائر آن در سال ۱۸۹۷ منتشر گردیدند و کم کم اذهان مردم را نسبت باین افسر که تا آن موقع مورد حمایت ستاد ارتش بود، روشن ساختند.

استرهایزی که پشتش زیر بار قرضهای سنگین خم شده بود، برای بهبود وضع مالی در ۶ فوریه ۱۸۸۶ با دختری بنام «آن دونتانکور»^(۱) که دارای ۲۰۰/۰۰۰ فرانک جهیزیه بود، ازدواج کرد و در مدت کوتاهی قسمت اعظم این جهیزیه را در معاملات بورس سهام از دست داد و همسرش با آنکه از امور مالی بی اطلاع بود، خطر از بین رفتن بقیه جهیزیه خود را درک کرد و در صدد تفکیک اموال خود برآمد و در سال ۱۸۸۸ موفق شد که بارای دادگاه اموال خود را از تملک شوهرش خارج سازد. یکماه بعد استرهایزی بگردان پیاده نظام پادگان «کوربووا»^(۲) منتقل گردید و چون در نزدیکی پاریس میزیست با دوستان قدیمی خود منجمه «گاستون گرنیه»^(۳) استاندار در حال انتظار خدمت، روابط دوستی خود را تجدید نمود و بوسیله این شخص در اجتماعات یهودیان سرشناس راه یافت.

در ژوئن ۱۷۹۲ موقعیکه بین یکی از افسران یهودی بنام «کرمیوفا»^(۴) از یکطرف «درومون»^(۵) مدیر روزنامه گفتار آزاد از طرف دیگر دوئلی در گرفت، استرهایزی بمنظور خوش خدمتی نسبت بافسر یهودی نامبرده، بعنوان شاهد در محل دوئل حضور یافت ولی در عین حال با حریف او یعنی «درومون» مخفیانه تماس گرفت. وی که در توطئه و دسیسه سازی مهارت کامل داشت، موفق گردیده بود که در عین حال در میان یهودیان و مخالفین آنها دوستانی بدست آورد.

مارسل توماس در این مورد چنین مینویسد:

(۱) Anne de Nethancourt

(۲) Courbevoie

(۳) Gaston Grenier

(۴) Crémieu Foa

(۵) Drumont

«تردیدي نيست که استرهای فورا» باهارت و درعين حال وقاحت از فرصتيکه درنتيجه اجرائي نقش ميانجیگری بدست آورده بود، استفاده نمود. وی در مقابل دوستان يهودی خود، خویش را بعنوان قهرمان طرفداری از هدفهای يهودیان قلمداد مینمود و موقعیکه احتیاج به کمک آنان پیدامیکرد، خود را قربانی دفاع از يهودیان معرفی مینمود. عجب تر آنکه باوجود اتخاذ این روش، توانسته بود خود را از سوء ظن «درومون»، و سایر افراد ضد يهود مصون نگاهدارد. استرهای حتی از سال ۱۸۹۴ به بعد با امضای مستعار با روزنامه «گفتار آزاد» که از مخالفین يهودیان بود همکاری میکرد.

وی در سال ۱۸۹۲ بدرجه سرگردی ارتقاء یافت و با کمک دوستان يهودی خود و سرلشکر «سوسیه» (۱) موفق شد که جلوی انتقال خود به «دونگرک» (۲) را بگیرد و بجای آن به هنگ پیاده نظام «روان» (۳) اعزام گردد. در این موقع استرهای مانند سابق با انجام معاملات بورس سهام پرداخت و در نتیجه این عمل بقیه دارائی خود را از دست داد. در اواسط ژوئیه ۱۸۹۴ وضع مالی او بسیار وخیم گردید و مبالغ ممتنا بهی به بانکها و افراد متفرقه بدهکار شد.

در اوائل سال ۱۸۹۴ دوستش «گرنبه» (۴) وی را با «ژول روش» (۵) نماینده مجلس که قصد داشت بجای سرلشکر «مرسیه» پست وزارت جنگ را اشغال نماید، آشنا ساخت و بزودی بین استرهای و داوطلب پست وزارت جنگ سازشی حاصل گردید و قرار شد استرهای پاره ای اطلاعات محرمانه نظامی را بدست آورده و در اختیار ژول روش بگذارد و شخص اخیرالذکر در قبال این خدمت، موجبات پیشرفت و ثروتمند شدن استرهای را فراهم سازد. در نیمه ماه ژوئیه ۱۸۹۳ سرگرد استرهای يك سلسله اطلاعات نظامی جمع-آوری نمود ولی ژول روش نماینده مجلس نتوانست کاری برای او انجام دهد. در نتیجه استرهای بفرستادن افتاد که اطلاعات جدید خود را به «ماکسیمیلین شوراتز کوپن» (۶) وابسته نظامی سفارت آلمان در پاریس، بفرشد. ناتمام

- (۱) - Saussier
- (۲) - Dunkerque
- (۳) - Rouen
- (۴) - Grenier
- (۵) - Jules Roche
- (۶) - Maximilien Schwartzkoppen